

## زندگانی حضرت رضا علیه السلام

حاج سیدزین العابدین سبزواری

### نظر محققین در باره شهادت حضرت رضا علیه السلام

گرچه نظر مورخین در باره وفات حضرت علی بن موسی الرضا (ع) و اسباب شهادت آنحضرت مختلف نقل شده و حتی در مدت بیماری آن بزرگوار نیز اختلاف دارند که بعضی آنرا نصف روز و جمعی سه روز و دوواژه روز نوشته اند اما رویهمرفته شخص بی غرض و منصف میتواند اطمینان پیدا کند که حضرت رضا (ع) بزهری که آنرا مامون در انار و یا انگور و یا هردوی آنها تمبیه کرده بود مسموم شده و از دنیا رفته است بعضی هم آنرا در دو نوبت در فاصله پنج ماه نوشته اند باین ترتیب که بنا بدستور مامون یک مرتبه زهر را در انار در ماه مبارک رمضان سال ۲۰۲ و نوبت دیگر در ماه صفر سال ۲۰۳ باز زهر را در انار و هم در انگور داخل نموده و آنرا بیحضرتش خورانیدند . ما در اینجا خلاصه ای از اقوال مورخین معروف اهل سنت را نقل نموده انگاه نظر شیعه را جهت مزید استحضار خوانندگان محترم ذکر میکنیم . (نظر مورخین عامه و اقوال آنها در باره شهادت حضرت رضا (ع) . شاید نخستین مورخی که تاریخ شهادت حضرت رضا (ع) و سبب آنرا ثبت نموده یعقوبی باشد ، زیرا زمان او نزدیکتر از سایر مورخین بدوران زندگانی حضرت رضا (ع) بوده است . یعقوبی در سال ۲۹۲ وفات نموده و او تاریخ شهادت آنحضرت را در سال ۲۶۹ یعنی ۶۶ سال بعد از زمان وفات برشته تحریر آورده است .

ترجمه شرحی که ابن واضح یعقوبی در این باره در مجلد سوم تاریخ یعقوبی آورده بدین قرار است ...

چون مامون بطوس شتافت حضرت علی بن موسی بن جعفر (ع) در دیهی که آنرا نوقان گویند وفات نمود . و این در اول سال ۲۰۳ از هجرت بوده و زمان بیماری او بیش از سه روز بطول نیا انجامیده است و مردم گفتند که علی بن هشام او را بزهری

که در انار تعبیه کرده مسموم نمود . مامون از شنیدن این خبر اظهار جزع و بی‌تابی بسیار کرد .

**ابن فندق** در تاریخ بیهق مینویسد سال ۲۰۲ از هجرت مامون قصد بغداد نمود و **ذوالریاستین فضل بن سهل** در گرما به سرخس کشته شد و امام **علی بن موسی الرضا** (ع) را در سنا باد طوس زهر دادند . **هندوشاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی** در کتاب تاریخ خود (**تجارب السلف**) که آنرا در شرح حال خلفاء و وزراء و سلاطین معاصران نوشته در باره شهادت حضرت رضا (ع) چنین گوید . گویند علی بن موسی الرضا (ع) انگور زیاد دوست داشتی . مامون بسرسوزن زهر در دانه انگور تعبیه کرده و چون پیش رضا (ع) بردند از آن خورد و بعد از اندک زمانی وفات یافت ...

**جرجی زیدان** مورخ معروف مسیحی مینویسد مامون در سال ۲۰۲ بسمت بغداد حرکت کرد و چون موکب وی بسرخس رسید گروهی از اشرار در گرما به آن شهر بفضل بن سهل تاخته او را غفلتاً کشتند .. و این عمل بدستگیری سلمان مجوسی انجام یافت مامون کشتگان فضل را دستگیر و پس از بازجوئی همگی را امر بقتل داد آنگاه بجانب بغداد روانه شد و چند روزی بعد از ورود وی اشتهار یافت که **علی بن موسی الرضا** (ع) بوسیله انگور زهر آلود مسموم شده است . مردم هرچند این کار را بمامون نسبت دادند ولی در حقیقت سامان مجوسی برای تکمیل کینه جوئی خود بمسموم نمودن حضرت رضا (ع) اقدام نمود و او خواست انتقام خود را از این راه کاملاً گرفته باشد .

صاحب تاریخ **حمیب السیر** بنقل از بعضی مورخین معتبر تفصیل وفات حضرت رضا (ع) را اینچنین نقل کند (در آن اوان که مامون قصد قتل حضرت رضا (ع) را داشت روزی برحسب اتفاق اندو بایکدیگر غذا خوردند امام (ع) بیمار شد مامون هم در همین هنگام اظهار بیماری کرد . مامون عبدالرحمن بن بشیر را دستور داد که ناخنهای خود را نگیرد . عبدالرحمن گوید چون ناخنهای من دراز شد مامون چیزی مانند تمر هندی بمن داد و گفت این را با هر دو دست خود خمیر کن و بسیار بمال و من چنین کردم . مامون مرا از رفتن از آن مکان باز داشت و خود نزد حضرت رضا (ع) برای عبادت رفت بعد از حالپرسی ، حضرت رضا (ع) فرمودند امیدوارم بهتر شوم ، مامون گفت بحمدالله که امروز منم بهترم و اکنون کسی نزد شما خواهد آمد که معالجه کند . حضرت فرمود من بآمدن کسی احتیاج ندارم . مامون در غضب شده و اظهار داشت امروز شما باید آب انار بیاشامید ، آنگاه مرا طلبیده و امر کرد تا چند دانه انار بیارم چون انار حاضر کردم دستور داد تا آنها را با هر دودست خود فشار داده و آب آنها را بگیرم ، و من چنین کردم . مامون همان آب انار را با دست خود بحضرت رضا (ع) داد تا بیاشامید .

چون دوازده روز از این مقدمه گذشت حضرت رضا (ع) وفات یافت .

ترجمه گفته‌های **احمد رفاعی و خضری** در دو کتاب **عصر المامون و محاضرات الامر** در باره شهادت حضرت رضا (ع) قریب باینمضمون است (چون مامون بطوس وارد شد حادثه دیگری رخ داد ، باینمعنی که حضرت رضا (ع) ناگهان وفات نمود و مردم در آنزمان مامون را متهم داشتند که او حضرتش را مسموم کرده است ...  
 آنگاه خضری در ابتدا استنباط میکند که مامون حضرت رضا (ع) را مسموم کرده باشد ، زیرا در میان خلفا او محبتی در دل **به آل علی (ع)** داشته و از طرفی حضرت رضا (ع) داماد مامون بوده و هم او نخستین کسی بوده است که خاطر مامون را از آشوب عراق و برانگیختن بنی‌العباس در بغداد مستحضر داشته است .

سپس گوید (ممکن است بعضی از اطرافیان مامون برای فرونشاندن آشوب و جلو گیری از فتنه و شیوع هرج و مرج بیشتر این عمل را انجام داده باشند فرید رفاعی (در عصر المامون) نیز اول نسبت زهر دادن را بمامون مستبعد دانسته و گوید طرز رفتار وی با حضرت رضا (ع) از هر جهت صدور این عمل را مشکل مینماید ، اما باز اضافه میکند که خبر مرگ آنها بآن ترتیب که او در نامه خود بحسن بن سهل نوشته است که **علی بن موسی (ع)** که ولایت عهدی او باعث غضب و بروز خشم مردم بغداد گردیده بود وفات یافت اکنون مانع دیگری جهت بازگشت آنها و پیروی از امر خلافت و دوستی آنها با خلیفه وجود ندارد موضوع مسمومیت آنحضرت را مؤید است عصر المامون باز مینویسد مانی ندارد که بتوان جهت دیگری برای عمل مامون فرض کرد ، باین ترتیب که چون **فضل و علی بن موسی (ع)** هر یک سدی بزرگ در سر راه مامون بودند و دفع آنها جز بهمان نحو که صورت گرفت امکان نداشت لذا مامون خود را وادار باین اقدام نموده باشد .

این بود قسمتی از اقوال مورخین درباره وفات حضرت رضا (ع) و ذکر همه آنها موجب طول سخن گردید و شاید مفاد و مضمون بیشتر آنها قریب بیکدیگر باشد لذا از ذکر همه آنها صرف نظر میشود .

آنچه قابل توجه است این است که با توجه باخبار زیادی که در این باره از معصوم مخصوصاً خود حضرت رضا (ع) وارد شده و اقوال مورخین بزرگ و قرائن بسیار دیگر باید اطمینان یافت که شهادت حضرت رضا (ع) بوسیله مامون خلیفه عباسی صورت گرفته و هم او حضرتش را با آب انار یا انگور و یا هر دو مسموم نموده است و اینکه بعضی از نویسندگان همان دوره و یا بعضی از مورخین غیر شیعه نوشته اند که حضرت رضا (ع) چون انگور را بسیار دوست داشت با افراط در خوردن آن ناگهان وفات نمود بسیار مستبعد

و نسبت چنین عملی را بحضرتش بسیار ناروا و دور از مروت باید دانست بگفته مرحوم سحاب و بعضی از نویسندگان دیگر آیا روا باشد که با قطع نظر از مقام امامت و بزرگی بلکه تنها از نظر یکدا نشمندن و حکیم یا پزشک و طبیب بزرگ که خود دستور مفصل زندگی و رعایت اعتدال مزاج و جلوگیری از انحرافات آنرا در رساله مخصوص بمأمون داده است . خود آنقدر در خوردن انگور افراط نموده باشد که جان را نیز در این راه از دست بدهد . گذشته از آنکه هیچگاه شنیده نشده که زیاد روی در خوردن انگور موجب مرگ ناگهانی شخصی شده باشد .

بنابراین شخصی مانند حضرت رضا (ع) با آنهمه دانش و معنویت و دارا بودن مقام امامت و اطلاع کامل از منافع و مضار اشیاء چگونه ممکن است دست بچنین اقدامی زده باشد . پس تفوه باین قول و یا احتمال آن فقط از سوء نیت و مفروض بودن گوینده و نویسنده حکایت دارد .

اما گفته‌های مردم آندوره مخصوصاً نویسندگان و وقایع نگاران رسمی را بایست با اقوال خبرنگاران عصر حاضر در همه جای دنیا مقایسه نمود . چه آنکه آنها بهیچوجه نمیتوانند حقائق را آنطور که واقع شده باشد در صورتیکه اوضاع سیاسی مملکت مقتضی افشاء آنها نباشد نقل کنند . و باین ترتیب اطمینان بقول آنها مشکل است بنی‌العباس نیز در مملکت داری از این رویه و قانون خارج نبوده اند و مخصوصاً مأمون در ظاهر سازی و تدلیس از سایر خلفاء مهارت بیشتری داشته است برای اثبات این مدعا باید به کتابهای منصل تاریخ مراجعه شود . و آنکه صدور این عمل از مأمون و کسیکه آنهمه علاقه بحاکمیت و پابرجا کردن مقام خود داشته است بهیچوجه مستبعد نمی نماید . مثلاً او همین قدر که از نفوذ و قدرت فوق‌العاده فضل بيمناك گرديد بلافاصله اسباب کشتن او را فراهم کرد . در صورتیکه خدمتها و جان نثاری فضل در باره او جای هیچگونه تردید نبوده است . همچنین طاهر بن حسین که درباره مأمون خدمتها انجام داده و لشکر کشیها نموده بود به مجرد قیام در خراسان و تمرد از فرمان او بوسیله خادم مخصوصش مسموم گردیده **حسن بن سهل** نیز با آنهمه سوابق خدمتگزاری در دادن دختر خود **بوران** به مأمون و تشکیل مجلس باشکوه جشن بهمین منظور که تا سالیان متمادی تعریف اوصاف آن زبانزد خاص و عام بود بالاخره سرسالمی بگور نبرد .

با این مقدمه تبرمه کردن مأمون از قتل **امام علی بن موسی (ع)** بعذر اوصافی که در مأمون بود و باستناد طرز رفتار او بحسب ظاهر با آن حضرت بسیار دور از صواب است و آنها که این عقیده را اظهار داشته اند یا مفروض و یا بی اطلاع بوده اند .